

زنان



در فضای فلسفه و کلام اسلامی مدرک حقیقی در انسان، نفس اوست و بدن ابزار و وسیله‌ای است که در دست نفس قرار گرفته است. طبق مبانی حکمت متعالیه نفس و بدن یک حقیقت هستند. طبق این اصول این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا ادراک زنان و مردان می‌تواند در مواردی متفاوت باشد؟

جنسیت نفس چیست؟ (۳)

بررسی آثار جنسیت مندی نفس

زینب تاجیک

پژوهشگر مقیم پژوهشکده زن و خانواده



چنانچه در یادداشت‌های قبلی بیان شد، در فلسفه و کلام اسلامی حقیقت انسان، نفس یا ترکیب نفس و بدن است. چنانچه نفس انسان را عاری از تمام ویژگی‌های جنسیتی بدانیم، تفاوت‌های جنسیتی یا در حد بدن مادی تنزل خواهد کرد یا برساخته تربیت و آموزش و شرایط محیطی خواهد شد. این خوانش از جنسیت ممکن است با بسیاری از مبانی حکمت اسلامی سازگار نباشد. اما خوانش جنسیت محور از نفس نتایجی به همراه خواهد داشت که در ادامه برخی از آنها بیان می‌شود.

در فلسفه و کلام اسلامی جایگاه اخلاق، نفس انسان است، برخی از اندیشمندان این حوزه مانند ملامهدی نراقی، موضوع علم اخلاق را نفس آدمی دانسته‌اند؛ از آن جهت که خاستگاه فضایل و رذایل اخلاقی را نفس انسان بیان کرده‌اند و این نفس انسان است که آراسته به این فضایل خواهد شد. در صورتی که نفس انسان را از جهت جنسیتی جهت‌مند ندانیم، اختلافاتی که در دین برای زنان و مردان بیان شده است، صرفاً برساخته خواهد شد و نتیجه آن سیالیت این ویژگی‌هاست. البته قطعاً برخی از تفاوت‌ها متناسب با شرایط اجتماعی یا خانوادگی... بوده است اما عدم جنسیت مندی نفس تمام این اختلافات را برساخته خواهد کرد و صحبت کردن از اخلاق جنسیتی سخت خواهد شد.

در میان فمینیست‌ها نیز دو دیدگاه کلی درباره نسبت جنسیت و اخلاق مطرح شده

است؛ برخی مانند لیبرال فمینیست‌ها به کلی منکر تأثیر جنسیت بر اخلاق شده‌اند و برخی دیگر از فمینیست‌ها خصوصیات اخلاقی را در مواردی جنسیتی می‌دانند.

خواجه نصیرالدین طوسی نسبت بسیار عمیقی بین تربیت اخلاقی و علم النفس قائل است تا جایی که علم النفس را مقدمه واجب تربیت اخلاقی می‌داند. در اندیشه او تربیت اخلاقی آراستن نفس به فضایل و زدودن رذایل از نفس است. از طرفی در این اندیشه، تربیت اخلاقی حاصل تعامل دوطرفه و دوسویه نفس و بدن است که مؤید نسبت نفس‌شناسی و تربیت اخلاقی از منظر اوست.

جنسیت مندی یا عدم جنسیت مندی نفس بر مباحثی که خواهی در باب تربیت اخلاقی مطرح کرده‌است، بسیار مؤثر خواهد بود. برای بررسی جنسیت مندی یا عدم جنسیت مندی تربیت اخلاقی گریزی از پرداختن به مباحث جنسیت و نفس نداریم.

از جمله امور دیگری که با عینک جنسیت و نفس قابلیت مذاقه بیشتری دارد، معرفت‌شناسی است. در فضای فلسفه و کلام اسلامی مدرک حقیقی در انسان نفس اوست و بدن ابزار و وسیله‌ای است که در دست نفس قرار گرفته است. طبق مبانی حکمت متعالیه نفس و بدن یک حقیقت هستند. طبق این اصول این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا ادراک زنان و مردان می‌تواند در مواردی متفاوت باشد؟ یا قائل شدن به جنسیت مندی نفس این پرسش، پرسش مهمی خواهد شد که ارزش بررسی خواهد داشت. البته این سؤال نباید با دیدگاه برخی از فمینیست‌ها که اساساً علم را جنسیتی دانسته‌اند برابر پنداشته شود اما بررسی جنسیت و معرفت به صورت موجهه جزئی‌ه و نه موجهه کلیه از جمله مواردی است که می‌تواند براساس مبانی اسلامی بررسی شود.

بررسی احکام شرعی متفاوت زنانه و مردانه یا برخی از احکام اخلاقی یا موارد جنسیتی در دین اسلام نیز اگر با دقت تأثیر جنسیت بر نفس و حقیقت انسان مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد، می‌تواند نتایج متفاوت و عمیق‌تری به همراه داشته باشد. در برخی از روایات جایگاه احکام متفاوت زنان و مردان نفس و روح آنها معرفی شده است که تحلیل این روایات نتایج بسیار جالبی به همراه خواهد داشت.

در پایان لازم به یادآوری است که صحبت کردن از جنسیت و نفس به هیچ عنوان به معنی دو نفس کاملاً متفاوت زنانه و مردانه نخواهد بود. زنان و مردان در عین اشتراکات بسیار زیاد که به بعد انسانی آنها فارغ از جنسیت اشاره دارد؛ در مواردی نیز از جهت جنسیتی تفاوت‌ها و اختلافاتی خواهند داشت.

اما این اختلافات بسیار عمیق و اثرگذار خواهد بود و صرفاً در بدن مادی آنها خلاصه نمی‌شود. همچنین صحبت از جنسیت- مندی اخلاق، تربیت اخلاقی و معرفت... به معنی دو نظام کاملاً متفاوت اخلاقی و معرفتی نخواهد بود و زنان و مردان در عین اینکه تشابهات بسیار زیادی خواهند داشت اما در مواردی از نظر جنسیتی جهت‌مند عمل خواهند کرد.



برخی از اندیشمندان خاستگاه فضایل و رذایل اخلاقی را نفس انسان بیان کرده‌اند و این نفس انسان است که آراسته به این فضایل خواهد شد. در صورتی که نفس انسان را از جهت جنسیتی جهت‌مند ندانیم، اختلافاتی که در دین برای زنان و مردان بیان شده است صرفاً برساخته خواهد شد و نتیجه آن سیالیت این ویژگی‌هاست